

# قرن بیستم

ساحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر. میرزاده عثمی

شماره ۴۹ جلدی الثاني ۱۳۲۱

قیمت اعلانات با دفتر است

## متمن سیاسی

### کابینه کهنونی و نظریات ما

روز چهارشنبه کابینه آقای مستوفی الممالک بقرار ذیل بدوا در حضور شاه و سپس در مجلس معرفی گردید :

آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء و وزیر داخله  
 آقای سردار سیه وزیر جنگ  
 آقای ذکاء المالك وزیر خارجه  
 آقای نصر المالك وزیر عدلیه  
 حاج عیثم السلطانه (متوفاه) وزیر معارف  
 وزیر پست و تلگراف و وزیر فوائد عامه و تجارت همین روزها معرفی خواهند شد .

در شهر قبل يك عوط مهم می کابینه را در معرض افکار عمومی گذاشته و بطور تبصیر اشعار قبولید که اولین عوط و نگاه خصوصی که رعایت آن مات نامه و جهت حسن پیشرفت امور اداره مملکت میشود همانا نگاه نسبت به اهل و وزراء کابینه دولتی است زیرا نگاره در دست مخالف انضامه که رای سیاسی هر يك با آراء و عقاید دیگری میباشد و بکلی دور و بی گانه است چطور ممکن میشود در قضایای حتی مسائل و تفریق سیاست مملکت وارد مذاکره و مشاوره گردیده و موفق بعمل غرامت آن قضایا شده رای بگیرد

ظلمه این مسئله از مسائل لایحل و مشوشت غیر همی بنظر میاید

یقین داریم طول مدت بحران این کابینه برای رعایت همین نکته بوده است اما افسوس که شدت توقع عتاقی و عدلیت عدم انکشاف و سلطه و مسائل نهاده برای اشغال بین های مردم با ملاحظه شرم حضور زمامدار کلونی و رعایت یار از جهات دیگر این زمامدار را حال آن اداء که کاملاً رعایت این نکته مهم را داشته باشد

لذا ما مجبوریم عقیده خود را که مطالبه آراء عمومی و مدوفا عتاد نموده

### منجه ۵

ملك زاده دیرین جگر گوشه شیرین  
 فسه شما قوم رنجور مردم برون کرده از گور

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟  
 در عهد من این خطه چو نردوس برین بود ای قوم به زدن قسم این ملک نه این بود

چه شد گردان ایران جوانان دشت ایران  
 نا جدار خورو کجائی یگنظر بر ایران نهائی

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟  
 هائی ای پدر تاجور ای غم زده خسرو خیز از لحد و باخبر از کشور خود شو

رای همه کور است همه اهل قبول است  
 مرده برون از مزارند زنده اند زندگی ندارند

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟  
 قباد من از تاجوران کی و ساسان ریزند بر خاک غم از ماتم ایران

همه در غم و اندوس مصیبت زده سبوس  
 داریوش رسوزنان است در عزا انوشیروان است

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟  
 هستی بر ازوه به می برده شیرین و آنگاه دگر دشتی باندست به قرن

که ای اولاد تا اهل نباید نان گر از چهل

## متمن اجتماعی

### الهی تاز به برای کار

کار برای آدم های تازه

- ۲ -

عرض وجود نموده برای آن که فحایح تزار و رجال دوره تزار خطای موش و فوق العاده حیالت الوو بود

باری این محبت از موضوع این مقاله خارج است غرض من این است که تفریبیاجه کوهی می انقلاب را با خلاصه شرح داده و در اینجا پیشگوی ری و حال انقلاب را تعریف کرده باشم

انقلاب حرکاتیت بر علیه عادات و اخلاق غیر قابل تحمل طیفه روی کار و ذوال اختیار الهائی که انقلاب را در نظر میگیرند و نقد انقلاب را ترسیم نموده باده علی سونی میدهند غرضشان هو کردن یک سلسله عادات در باری با بازی است و طیفی است در ضمن قصد هو کردن آن عادات يك سلسله عادات ( و عبارات دیگر خوانین ) نیز در نظر میگیرند که بجای آن عادات محو شده بکار بندازند

مثلاً وقتی مردم ارتقب مراعات عرفی را در دارالحکومه ایام استعبداد اینهتبداد شک نیست یکی از مایه که ان را انقلاب سونی میدهد همان میشود و در ضمن آنکه برای عو ان ترتیبات دین است بگردد

ارتقب يك عدلیه قانونی را نیز در نظر میگیرند که پس از عو روم مراعات عرفی دار الحکومه ها يك عدلیه قانونی در چائی ایجاد نمایند

و همان عور که هرچه مال قبول دیدید انقلاب مسکوند و ترتیب مراعات عرفی را نیز بر زنده و همان سیه که انقلاب کرده بودند عدلیه دو نتیجه از روی که داشتند ایجاد نمودند ولی دیدند عدلیه آن عدلیه که آنها فرض میکردند ندر چه جهد کردند همه نه روی نهی بلخند معلوم است در ملی مجاهدات در این کوه قضایا خورده بودند از دست که عادل انقلاب بودند حسنه و مابوس میشوند و عقیده آنها این میشود که آن عدلیه غرضه که قبلاً در نظر

در مقاله گذشته گفته که : سوزن گرامافون سنده اول را خوب کار میکنم و آواز گرامافون را خوب استخراج میایم ولی در صفحه دوم گند میشود و صفحه دوم را بکلی خراب میکند پس می-روزی که در يك صفحه در سنده است باید آواز در صفحه دیگر بکار اینداعات رجال انقلابی نیز برای دوره اول يك انقلابی را خوب بجا میاورند دوره دوم غیر کاری ( گند ) میشود دوره سوم را قلم می کنند

از همین رو رجایک در يك یا دو دوره انقلاب ممد و قائم بوده اند باید در دوره سوم و چهارم بان ها محال اند

در این مقاله این پسر نسبت را توضیح میدهم :

اول باید فهمید چرا انقلاب میکنم و چرا انقلاب میشود

انقلاب وقتی میکند که عادات و اعمال طایفه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب وقتی میشود که نسبت اراضی بیش از نسبت های دشتی و روی کار بود و در راس تاراضیا يك مرد چیز قوم و کار مان قرار گرفته باشد

انقلاب را آنکه برون نمریات اربابان افشار و حرد سری های ذوال نفوذ است شدت انقلاب و خاور بزی خطوط سابقه شدت آمده و جنایات تبعه بان است مثلاً انقلاب هفده سال قبل ایران تقریباً يك انقلاب مختصر بود - رو صدائی بود برای آنکه قدمات رجال در بار ناصر الدین شاه و فحایح اطرافیان مشفر الدین شاه کابین انقلاب برای رفع آنها شد تقریباً مختصر و غیر شدید بود

انقلاب روسیه خیلی شدید و خاورین

سالم ملت است بی برده اظهار کنند این است که می گویند ملت نسبت به یکی از اعضای کابینه یعنی آقای عتده السلطانه خوش بین نیستند

اما بگانه چیزیکه سوء نظریات مردم را میتواند جبران کرده و اسباب امیدواری عموم ملت باشد همانا خوش بینی و حسن عقیده عمومی است نسبت به شخص آقای مستوفی الممالک و امیدواری عموم ملت از دمنض عتدم ایشان

ما و عموم ملت بطور قطع انتظار داریم که تمام بد بینی ها و عدم رضایت عمومی از اعضاء کابینه را حسن کنایت و سر پنجه بفرستند سیاستمدار کلونی که در واقع سوزن سخت اعمال اعضاء کابینه حاضر هستند هر قنوم و امیاب وقت عمومی و رضایت مندی عامه ملت فراهم نمایند پس است مخالفت جزم قیات و مراتب جدید و فعالیت زمام دار صالح امروزی اجازه میدهد که هیچ يك از اعضاء کابینه از حدود قانونی خود تجاوز کرده و موجب دل نوری و برودت ملت را فراهم نهند

پس وجود این سه امیدواری از نقطه نظر ملاحظه می یک دو نکته را مجبوریم خاطر نشان آیایم که در هر موقع در معجانی از عناصر قاعده ملت تشکیل می شوند و از هر کابینه و هیئت دولتی که روی کار آید بطور غیر مشروع توقعات و انتظاری دارند چنانچه کابینه غیر صالح باشد و نظارت غیر مشروع و توقعات آنها را اجابت مسکنه بطور احمق و مسام آن اشتباهی بطوریکه کابینه کرده در انظار بشایست و رضایت مندی میباشد و هر وقت همان کابینه انتظارات آنها را اجابت نکند فوراً به بین شده و نسبت به جان هیئت دولتی که تا دیروز قدامی و طرفدار ان هیئت بوده اند بشمول هتاک و دسته بلدی و مخالفت می کردند و همین است رفتار آنها با کابینه های صالح پس رضایت و عدم رضایت این اشخاص هیچوقت ثابت اعتبار نبوده و حالات آنها از مردم . . .

ملت واضح و روشن است فرض از بسط این مقدمه آن است که با نهایت حریت و اشتیاق تذکر داده و بگوئیم بکانه مطلب مهمی که باید مورد رعایت زمامدار صالح کلونی بوده باشد آنکه مقتضی است سیاست را در نظر بگیرند که در نتیجه تاراضی از صلحاء نموده حقیقی ملت که رضایت و عدم رضایت آنها دوره ترتیب از و نیت اعتبار است در برابر تشکیل نشود

بملاوه چنانچه مقتضی باشد با سرعت وقت از دسته بندی و تفریقات قسودین خارج قوام السلطانه جلوگیری شود و پیشرو عموم فقط نباید شخص از می تواند اراضی و سکون در جاده و دسته جهت

# اتحادیه تجار

ایامه سه شنبه ۲۶ شوره جاری از طرف هیئت عزم تجار طهران مهربان جرایم مرکز دعوت شده بودند که در موضوع زیادهای واردات اقمه و اجناس بر صادرات اجناس و اقمه داخله مذاکرات و تبادل افکاری بعمل آید

شاید در نتیجه فکر افان و توجهات دولت فکر چاره برای جلوگیری این ترقیب تا کارگر که منتهی بفر و فلات محضی خواهد گشت و نمایند و موجودات قابل واردات با صادرات مملکت در آیه فراهم شود

لایحه از طرف هیئت اتحاد قرائت گردیده مبنی بر اینکه دولت باید از ورود اجناس بیجهل و تفریحی که غیر ضروری است جدا جلوگیری نماید تا با توفیق و درجهات تبدیل فراهم گردد

روز انقلاب دانشمند و آواز معلومات علمی فردی انقلاب یکی از اطلاع اند این است که فردای انقلاب را خراب کردند ایامه باید گشتار بگردد و یک دسته که از عملیات فردای انقلاب کاملاً معلومات دارند جلو بیایند و آنها ماندهای تازه باشند بقیه دارد

برای بومزدن عادات و رسوم زشت حکومت استبداد است فردای انقلاب که عبارت از دوره تکامل باشد ایام گستاخیدن رسوم و عادات و قوانین استبداد است به جای رسوم و عادات اینها بگردد امروز روی کارند یعنی مراجع تقلید ازادی خواهان معرفی شده اند و حال روز انقلاب بوده اند در عملیات

گرفته بودند حال و موقع است از همین قرار سایر مسائل را که موجب انقلاب است فرض نماید

و نفی انقلاب گشتار کنند ملاحظه کردند که هیچ يك از نمایانی که در نتیجه انقلاب گشتار شده و باقی راجع و مطابق آیه که قبلاً در نظر گرفته شده بود نشده بی شبهه مایوس گردیده و کان خواهند داشت که اگر انقلاب نمی کردند بهتر بود و وقتی صاحب این عقیده شدند مراجعند از مرجع شایع و دم ندارند [ تمام ان مایه در صدر مشروطیت با ایت حرارت فریاد بزدند انقلاب انقلاب ازادی ازادی امروز با آرایش و رنگی دیگر شده و در تاسر الدین شاه که يك امنیتی بود بخیر و بخود انقلاب کرده اند

## ضد عفونی بر علیه مکر ب روی کاغذ و ثوق الدوله

اری و توفیق الدوله دست نظامی اسرار کانی را از حر اهلای محدود بگویند کرد ولی در عوض خواست مای ایران و اصل رودخانه طایبیس را که دیون ها دفعه رای ایران از اشراو داخلی پذیرند در سر سر مملکت حکمران و مالک از قاپ نماید ما هر تصدیق میکنیم که انکسار با دایم خدمتگذار سیمین مثل توفیق الدوله وجود اشراو کانی را بی نظر دانسته در قلع و قمع آنها گویندند

اخیراً انقلابی در یکی از جرایم با نعت برای توفیق الدوله شاهه یافته و او بوسه ان و توفیق الدوله را یکی از اشخاص با هوش و فوق العاده معرفی نموده و بخیر خود خواسته است به مملکت و اشتباهانی جنایات غیر قابل عذری را که آن بوالمرول ایرانیت عمدا مرتکب شده ارمه نماید ولی فانی از آنکه طول زمان پرده از روی کارها بر داشته و قضاوت در حوادث مهم تاریخی شاهین و خائنین را از یکدیگر متکساخته خادمین در پیشگاه ماست و ستمات تاریخ منقش و سیرافراز و خائنین بیشتر مغیر و مردود واقع میشوند آقای نویسنده بر خلاف ادعای شما که میکنید و توفیق الدوله يك شخص فوق العاده و با هوش است و انکسار با نعت و شتم و شتم الدوله است بدلیل انکه آدم خردمند و باهوش انکسار با نعت از عبط برایش آید و روح او در روزگار است و توفیق میخواهد بکاری اقدام کند و بخواهد اطراف ان بدقت نظر کرده در صورتیکه پیشرفت خود را حتی بماند شروع بکار بپایانید و چنانچه دید برای او پیشرفتی حاصل نمی شود صرف نظر میکند و اگر توفیق الدوله آدم باهوش و فانی بود میبایست بدوا در اطراف عملیات خود بدقت انگریز در سور قریه موفقت کامل خود را مسلم میداشت شروع بکار نماید و همین عدم موفقت در اجرای مقاصد شوم او و آیه يك چنین تشر عمومی و نام انکسار برای خود دلیل بر کم هوشی و عدم استعداد فطری است و توفیق الدوله علاوه بر انکه دارای فکر و هوش نبوده قوه ادراک هم نداشته زیرا اگر این اند قوه اندراک هم داشت لازم بود رفتار انکسار را با آواب و راجکان مند تحت مطالعه در آورده و پس از انکه دید انکسار هیچگونه آواب و راجکان مند و ستاد را بعد از استیلائی کامل در ان مملکت بوسایل گوناگون به حبس آید یا بدبار عدم قوتقادند برای خرد سره شقی قرار داده به قنا و استیلا ایران بکشد ضمن قنای خود او هم حتی بود قیام نمی نمود

باید با آنها گفت اگر از انقلاب آنچه مایطوره گرفته اند قصیر شما است نصیر خسته کوی شما است چرا آن دو سال بعد از انقلاب تقریباً رسوم مشروطیت و آزادی از خائیه که همد سال از دوره انقلاب میگذرد خیلی بیشتر بود برای انکه آن وقت شما خسته نشده بودید ان وقت مرجع شده بودید و همین دلیل شما بدینتر متعبدی امور جنجالی و نگاهای مملکت باشد (غرض از کار انکسارهای غشت و بی زبانی است)

میتوانیم بدانهم بزرگتر از ان حمایت در عالم نیست که يك نفر زمام دار برای حرس و سیادت چند روزه خود استقلال يك مملکتی را بر باد داده اند فقط بی کرد و تنوس حیه آنها است و انکسار با نعت و شتم الدوله است بدلیل انکه آدم خردمند و باهوش انکسار با نعت از عبط برایش آید و روح او در روزگار است و توفیق میخواهد بکاری اقدام کند و بخواهد اطراف ان بدقت نظر کرده در صورتیکه پیشرفت خود را حتی بماند شروع بکار بپایانید و چنانچه دید برای او پیشرفتی حاصل نمی شود صرف نظر میکند و اگر توفیق الدوله آدم باهوش و فانی بود میبایست بدوا در اطراف عملیات خود بدقت انگریز در سور قریه موفقت کامل خود را مسلم میداشت شروع بکار نماید و همین عدم موفقت در اجرای مقاصد شوم او و آیه يك چنین تشر عمومی و نام انکسار برای خود دلیل بر کم هوشی و عدم استعداد فطری است و توفیق الدوله علاوه بر انکه دارای فکر و هوش نبوده قوه ادراک هم نداشته زیرا اگر این اند قوه اندراک هم داشت لازم بود رفتار انکسار را با آواب و راجکان مند تحت مطالعه در آورده و پس از انکه دید انکسار هیچگونه آواب و راجکان مند و ستاد را بعد از استیلائی کامل در ان مملکت بوسایل گوناگون به حبس آید یا بدبار عدم قوتقادند برای خرد سره شقی قرار داده به قنا و استیلا ایران بکشد ضمن قنای خود او هم حتی بود قیام نمی نمود

من میدانم شایرین هم میدانند فقط چیزی که شما را متجری برای فکر این کوله اراج سیاه ساخته حالاً نه چشیدن گیرا حال و دیدن جزای خائنان است و باید انکه توفیق الدوله ایران آمده و آخرین نیکه برای فنا واضع حال ایران در توکین دارد بهدستی شما بزرگواران زده و شما هم زنی قانی خود را تا بین کشید بدست و با افتاده آید ولی این اشتباه است توفیق الدوله ایران نخواهد آمد و از این دست با زدن شما غیر از انکه جنایات و مملکت بر باد دادن و توفیق الدوله را تازه نموده خشم و غضب ملت را بپروان آورده بچه دیگری نخواهد برد و بطور اطمینان بشما میگویم که دست انتقام ملت بپروان زودی از استن بیرون شده شما را به گفر اهلان خواهد رسانید

معرض از کار در این مقاله مانا پیشوای سیاسی و مرجع تقلید ملون و آزادی خواهی بودن است و الا کارهای اداری مالد منشی کرمی و مدیریت اداری در انی موضوع بحث نیست

باری انما انکه خنده سال است پیشوای سیاسی و مرجع تقلید ازادی خواهی بوده اند دیگر از کار افتاده اند لای توانمند اند روز های سالهای اول کار بگذشت خسته شده اند انما حالت ان سوزن کرامت افروزی را پیدا کرده اند که در چنین صحنه احتمال گردیده و گذشته و خاصیتی از این رفته خان طریقه آن روز را باید بدور انداخت و سوزن تازه بکار برد این دسته هم باید بان قبلی امور که قبلاً ذکر شد دیگر انداخته بگشتار و باید که عده مناسب تازه نفس تمندی شغل سابق آنها بشود

انما انکه امروزها میگویند ندارند عجله اند که بکند و در حقش داشته باشد جوانی نکنند ما هم همین طور مال شما بودیم ولی حالا دانستیم که آن اندیشه اصلاح نبوده آناهامه مرتجعند

باید با آنها گفت که در اثر اندوزی شما يك علانی از آزادی و مشروطیت در چهار سال اول پس از انقلاب دیده میشد وقتی شما ملاحظه کار و اشته رو شدید دیگر اثری از آزادی و مشروطیت نماند شما باید پروید و يك عده ازادهای تازه اندرو بپایان ازادی و مراقب کامل را احیاء نمایند

يك مسئله دیگر : روز انقلاب -- اردای انقلاب روز انقلاب عبارت ان دوره است که عادی انقلاب بلند است روز انقلاب

ایامه باید گشتار بگردد و یک دسته که از عملیات فردای انقلاب کاملاً معلومات دارند جلو بیایند و آنها ماندهای تازه باشند بقیه دارد

من میدانم شایرین هم میدانند فقط چیزی که شما را متجری برای فکر این کوله اراج سیاه ساخته حالاً نه چشیدن گیرا حال و دیدن جزای خائنان است و باید انکه توفیق الدوله ایران آمده و آخرین نیکه برای فنا واضع حال ایران در توکین دارد بهدستی شما بزرگواران زده و شما هم زنی قانی خود را تا بین کشید بدست و با افتاده آید ولی این اشتباه است توفیق الدوله ایران نخواهد آمد و از این دست با زدن شما غیر از انکه جنایات و مملکت بر باد دادن و توفیق الدوله را تازه نموده خشم و غضب ملت را بپروان آورده بچه دیگری نخواهد برد و بطور اطمینان بشما میگویم که دست انتقام ملت بپروان زودی از استن بیرون شده شما را به گفر اهلان خواهد رسانید

من میدانم شایرین هم میدانند فقط چیزی که شما را متجری برای فکر این کوله اراج سیاه ساخته حالاً نه چشیدن گیرا حال و دیدن جزای خائنان است و باید انکه توفیق الدوله ایران آمده و آخرین نیکه برای فنا واضع حال ایران در توکین دارد بهدستی شما بزرگواران زده و شما هم زنی قانی خود را تا بین کشید بدست و با افتاده آید ولی این اشتباه است توفیق الدوله ایران نخواهد آمد و از این دست با زدن شما غیر از انکه جنایات و مملکت بر باد دادن و توفیق الدوله را تازه نموده خشم و غضب ملت را بپروان آورده بچه دیگری نخواهد برد و بطور اطمینان بشما میگویم که دست انتقام ملت بپروان زودی از استن بیرون شده شما را به گفر اهلان خواهد رسانید

## لغوی

امروز سه ساعت بنزول در جمع دموکرات کشتارانی جالب توجهی از طرف هم مسکن محترم آقایان دکتر موزاندک و ساعت ساز و راجع باطل مشروطیت و نظام داده خواهد شد از عزم هموطنان و ازادخواهان در ساعت مزبور برای استماع کشتار دعوت میشود

## سفر

شری از بزرگان اجداد شرمستان پس ازما زنان باد کاب خرابه قبرستان الخ سیروس

در حال دیواری حراب شده و از نظر ها هر میشود سیروس با هیکل بر آیت و قیافه عظمت که در خور سلاطین نظام است پیدا می شود و منشی را سخت به پشانی فشرده و میخواند

اینداد اگر من سیرم از شرم بزرگ است شرم من از ارواح سلاطین اسیر است که بودند به بندم کون طمعه زبندم کای اسیر توماسلاطین حال اسارت مال خود بین

این خرابه قبرستان نه ایران است این خرابه ایران نیست پس ایران کجاست دایروش

بهان طریق که سیروس پیدا شد ظاهر میگردد چین تا بر مم بود مسخر چو بدم نصف کره خاک بر اخلاف سیردم کون رفته بشارت کفر قنار اسارت حیف از این جهاکیر اقلیم انکسانده از صدیکش نیم

این خرابه قبرستان نه الخ

الموشیروان

با وقار تمام و چهره اندوه کین ازیس دیوار و ستونی پیدا شده و با آیت نهیم شروع بخواندن میکنند

جریانات شوروی

مجلس

پس از قرائت صورت جلسه قبل آقای رئیس مکتوب تقدیمی آقای داور را پیش از اجازت مرخصی ده روزه از تاریخ ۸ داو جبهه رقم ماضیه کسالت خود قرائت نموده و آقای شیخ اسدالله اظهار داشتند که پس از انقضاء مدت اجازت نامه حالانیستی در مجلس مطرح شود

آقای اقبال السلطان اظهار داشتند که اغلب آقایان از قناعت عارضه ایشان اطلاع دارند و بالاخره رای گرفته و تصویب گردید

رئیس آقای رئیس دو خواست اجاره مرخصی برای مدت هفت روزه آقای میاوند را قرائت نمودند

آقای فتح الدوله اظهار داشتند اساسا بیده با درخواست اجازت تعطیل مخالف هستند چه اینکه اگر شخص مرخص باشد طبعاً از حاضر شدن در مجلس معذور خواهد بود خواه این که تصویب بشود یا نه و پس از مذاکراتی تصویب گشت

آقای شیخ الاسلام اظهار داشتند ماده واحد در خصوص انتخابات با بنای ۴۷ از آقایان نمایندگان جایز است به گونه ای که میگزینت مراجع و با ناگفته ای که راجع به آن شده است هنوز کمیون آنرا تفریح مجلس نداشته است

که قبلاً در تحت مذاکره قرار نگذاشته شده و همین در روز پنجشنبه خواهد آمد

آقای رئیس - شور در لایحه مشوجات والیه وانی مطرح است ماده اول قرائت گردید و آقای حائری زاده عقیده داشتند که حتی الامکان بایستی

در آن قید شود چه که ممکن است در بعضی نقاط بقدر کفایت مشوجات وانی بدست آید

آقای شیخ رئیس اظهار داشتند در همه صورتی کار هیچ وقت عملی نخواهد شد با انقضای رئیس مالیه فلان دولت بگذرد که حتی الامکان شما با انصاف رفتار کنید

پس از مذاکرات طولانی برای ماده اول رای گرفته و تصویب شد

ماده دوم قرائت گردید آقای حاج شیخ اسدالله عقیده داشتند که چرا قید شده است که در زمان اشتغال خدمت بایستی لباس وطنی بپوشند اگر مقصود ترویج مشوجات و مشوجات وطن است بایستی قید زمان اشتغال خدمت را بر داشته و کلیه مشخدمین دولت در زمان اشتغال بخدمت و غیر خدمت با لباس وطنی باشند

آقای کارزوی در این باب توضیحاتی داد و بعد پیشنهادی از طرف بعضی از آقایان در خصوص انضمام کلاه و شکتی و قهوه به ماده دوم قرائت و رد گردید

آقای ارباب کبکسرو پیشنهاد کردند که اعضاء و اجزاء درباریان ساطنتی هم در جزو ماده دوم قید شود و در ضمن توضیح اظهار داشتند

آنگاه جبهه شورشی پیران

به این باب در مجلس شورای

بذل آمده و رد گردید

بالاخره در خصوص ماده دوم هم رای گرفته و تصویب شد

ماده سیم قرائت و مطالعاتی درباریان آن شده و آقای حاج میرزا علی محمد پیشنهاد نمودند که در صورت مخالفت با این ماده هر دهم

در ماه از قرار صدک از حقوق ایشان کسر خواهد شد و پس از مذاکرات لازم پایش اتمام فوق الذکر تصویب گردید

ماده چهارم قرائت و پس از تبادل آراء تصویب گردید در این موقع مجلس برای نلس تعطیل و قریب سه ربع بعد مجدداً تشکیل گردید

آقای رئیس - لایحه قرار داده وقتی تجدید این مصر و ایران مطرح و ماده واحد قرائت و تصویب گردید

رئیس لایحه امتیاز معادن نفت و گاز که جزایر هرمز و هنگام و لارک و غیره قرائت و آقای انبال السلطان متبذشان آن بود که در این قبیل کارها جانب نظریات دکتر میلندو رئیس کل مالیه خالی از ضرورت نخواهد بود

مجلس کمیسیون - دولت در وقتی این پیشنهاد را نموده که مکلف به راجعه ایشان نمی بود

شاهزاده امیرت الدوله شرحی مبنی بر موافقت با لایحه پیشنهادی کمیسیون قرائت نامه اظهار داشتند و آقای معادن هم توضیحاتی بجا می دادند

در این موقع بکلی بودن مذاکرات و دخول در شور واد رای گرفته و تصویب شد

ماده اول قرائت و آقای زنجبانی توضیحاتی در آن خصوص داده و با طول مدت چهل سال امتیاز مخالف بوده و نظریات

آقای معاون وزارت معادن نامه در این باب توضیحات لازم دادند

جلسه آتی برای قبل از ظهر روز شنبه تعیین و دستور آن لایحه روشنائی بقیع تبرک - قانون شورای دولتی - قانون انتخابات تعیین گردید

مالیه بحضور وزیر مالیه معرفی گردید و آقای وزیر مالیه اعلای مصلی مبنی بر ترویج جریان امور مالیه اظهار داشتند

دیشب در سالون گراند هتل نمایان نظامی و طبانه شناس نصیب آقای کشرانی فرق المعاده جالب توجه نمایان چنان گردید

مدیران محترم جراند و آقای وزیر مالیه و اغلب صاحب نمایان قشونی در این نمایان حضور داشتند

با خیلی خوشوقتی که خبر داده اند نمایان در ایران اهمیت پیدا میکند و رفته رفته از جدول امورات خارج میشود

قرن بیستم

جامعه دیانت

دیشب آقای شیخ هادی بصیر نطق مصلی بر علیه قرارداد انکسار در بین اولین اظهار نمود و قضا اندازه مؤثر واقع گردید

انجمن اخبار

نگارشات روتر

در روز پنجشنبه ۱۵ فوریه ۱۹۲۳

راجع بخانه بن النورین

لندن ۹ - کمیسیون دولت معادن مطالعه در امور بین النورین امروزی و پورت (شور - سی کاکس) را مطرح شروع مذاکره قرار داد

اویستند مقالات سیاسی جریده (دلی نیوز) در این موضوع میگوید: چنان بنظر میآید که تخلیف بین النورین در آتی نزدیک بواسطه معاهده که در آن گذشته فیمابین فصل منتظر گردیده بواسطه پیشنهاد احاله قشبه مصل به مجمع اتفاق مالی بکلی از انتظار محروم گشته آنگاه که امید می رود معاهده زبان امضاء شود کمیته احتمالی می رود تخلیف مصل را توصیه گردد لکن گذشته از این مسئله لازمت که کمیته تقابل خارج البجا را تحت مطالعه در آورد

انجمن اخبار

جلسه هیئت وزراء

صبح روز گذشته آقای رئیس الوزراء به دربار تشریف آورده و نیز آقایان وزراء در وزارت خاها میروند حضور در رسانیده مشغول رسیدگی به امورات وزارت خانه گردیده و رؤسای دوائر و اعضاء به حضور آنها معرفی گردید و موقع ظهر در دربار حضور بهم رسانیده جلسه رسمی هیئت وزراء بعد از ظهر در دربار تشکیل و تا موقع غروب انعقاد داشت

شرفیابی

عصر روز قبل نزدیک امیر ساعتیه غروب جناب آقای محی الدین باخا سفیر کبیر دولت طایفه دنیای در دربار تشریف آورده و از آقای رئیس الوزراء ملاقات نموده مدتی مشغول مذاکرات بودند

حضور در ویرادخانه

قبل از ظهر روز گذشته آقای نصر الناند وزیر مالیه در وزارت خانه حضور بهم رسانیده و جناب دکتر یاسو و مظفر الیوا ملاقات و رؤسا و امیر و اعضاء وزارت

تصور هم میسر بود و چه بخارج سال آنکه بالغ بر شش میلیون ایرد بشود

مراجعت حاکم نموده شده

حاکم (دولت لورک) که اخیراً از جانب اولیاء نظامی از یک قومیت شده بود امروز مراجعت کرده و در بلدیه نظامی تدارک شریف الیچنی ایراد نموده و پس از خانه نظامی مجدداً مامورین بازرسی اورا معذرت و توبیخ کردند و مجدداً اعضاء به بخانه از قبول مرادلات و امانات بازرسی امتناع ورزیده و مرادلاتی که در ناحیه تحت تصرف قوای بازرسی برای الکاتیان فرستاده میشود از راه دیگری ارسال میگردد

اعلان اعتصاب

بازرس - نظریات بیکه مذاکرات راجع انانه کردن مرادلات نهادن [موزل] از بجه مطالوبه حاصل نشده به اعتصاب عمومی اعلام شده ولی تحت هزار نفر برای تلبیضدن بکار باقی هستند - قوای فرانسه بن باب احتیاط معادن [سار] را متصرف شده ولی عملیات انجا نیز اعتصاب کرده اند عملیات راه های اعلی (سار) هم برای امانه مرد آمید به اعتصاب نموده اند

انجام حجت عثمانی

خبر رسیده است که او ااعامه و نمایانی

مردا یک انعام حجت دیگری به متفقین داده و نشان کرده اند که در طرف سه روز از میر را تخلیه نمایند

نظریات نماینده عراق

سردار جهزایشان نماینده عراق در کفرانی اوزان در طی مصاحبه خلیف و قیام فکر جریده (ار اینک ملت) اظهار داشت تصور نمیکند شتالی معاهده را امضاء نماید زیرا دولت روسیه که طرفدار وی میباشد هیچ وجه مالی بابت معاهده نیست اهالی شهر وولایت روسل نسبت به شتالی معتبر میباشد و بیکانه دلیل اصرار دنیای برای مصل هم این است که معاهده عراق را مجدداً تصرف کرده و مقام خویش را در خارج فارس بکند سازد

پیشانی کوئی

مدالی دارم

آری انگلیکه روح او فکر او و بالاخره همه چیز و تمام موجودیت او در مضیق و فشار طبیعت واقع گردیده و در انظار هولناک طبیعت استعاده و همین طبیعت بی رحم با چشم بد بین با دیدگان اخول و قیانه هوس و قشر روانی باورگاه می گردد

بلی انگلیکه جراتیات باس و نویدی در کایه سیه طبیعت انبهرانده آدمو جردی که در سبلات خطراتک طبیعت نظام گش غربی و با هر بدبختی دچار است باید بپرد

جمعه (پیشانی کوئی) که در نمره قبل در ازحه تخریرات من شده بود موجب بی تمجب گردید زیرا من نمی خواستم پیشانی کوئی گزاره باشم من انبهرانده احساسات يك داغ حساس يك طبع افتاد يك فکر عمیق را پیشانی کوئی امیر کلام پاکه به خواسته حالات واقعی قیافه معنوی انقلاب و انارات يك روح جریحه دار يك روح متاثر حساس را که در فشار تنگی و روح طبیعت انبهرانده کی و به چارگی موحه و دست و کربسان شده است از بهنگاه افکار عمومی گذرانیده سادات مردن و قدم مرگ را بر این زندگانی

آی وای که ویرانه شد آن مملکت پیر کش روی زمین کشور خون خواندی و شهید به نیروی دایرات

مهرین بیرق ای رات

بدباند در روم و در چین

بر فراز قصر سلاطین

این خرابه قبرستان نه الخ

خسرو

بالاس ساطنی و زیور زیاد از پشت همان دیوار که محو شد و الوشیدوان پیدا گردید پیدا میشود و روی به جمعیت کرده باواز رسائی این غزل را بخواند

(باغک بیات استخوان)

معلوم نیست مردد ویا آنکه زنداید این زندگانی است شما میکنید مرگ

زین زندگانی به است برای چه زنداید

اجدادتان بحال شا کریم میکنند

گر چه میانه مال اسباب خنده اید

غیرانی از قدیم مین بود و سر باند

ایچه کشته است شما سر فکند اید

جانش بلب رسیده ز دست شما مگر

دل از نگاهداری این ملک کنده اید

شیرین

با لباس سیه عروس انگلی پر سیه لهار قیافه فرق المعاده تشاک وادو همکین در از دیدن خسرو ظاهر میگردد و با شیون مؤثر و محزون این ابیات را بخواند

[موزیک مخصوص معنابه به موزیک یکی از تصنیف های ملی نمایان]

ای خاک پاک ایران زمین ایران ای حجله گاه شیرین

باید نسبت شود باید دست خونخوار  
طبیعت را با مداوای اوش داروی مرک  
از گریبان خود کوتاه کرده این حیات شکن  
را بدرد کرد

آری جمله (پیشانی گویی) را  
در سر مقاله قرار نداده بودم بلکه آن  
در مقاله و عنوانی که از قلم من بر  
منبع کاغذ مناسبت شده بود جمله دیگری  
بوده است اما بقیه دارم این  
جمله را حیات با یک نگاه انقباض این  
آب خنک منزه آله و قاب لا باکی بر فرق  
شکایت نامه من که طارم مظلوم او است  
نرمش آورده است

من میدانم حروف (پیشانی گویی)  
در طبیعت شرافت طبیعت چیده شده است  
من بقیه دارم یکجاست بی نصیب  
آنگاه است بی سابقه از رفتار و نیرنگهای  
ایستادگان که بی ادبانه بی ادبانه خود بدین اختیار  
را داده بحالت سوق الطبیعه و روش اجباری در  
در میل قوی و داده نیرومند طبیعت خائن  
بدون هیچ اختصار حروف پریشان گوئی را  
در راس مقاله من چیده و این جمله تفریحی  
را سر لوحه شکایت نامه جدی من قرار  
داده آری طبیعت خوارانه با استنهاد و  
پیدان هاری کرده باشد میباید بگوید  
هیچ میل و اراده در مقام اراده من نیست  
توان عرض اندام کند میباید بگوید  
این نامه ای بجز خراش زخمی و زخمی و زخمی  
ها در پیشگاه اقتدار خود سرانه من  
بجائی نیفتد

بلی میباید بگوید استغاثه و استغاثه  
هیچ مظلومی را گریستن نمیدانم و استغاثه  
دانی من اجازه تأخیر باین نامه نمیدهد میباید  
ایتمالد

این شکایت نامه های وقت اور در  
تو که قنات من قنات نگردیده  
و مورد بهت و مظلوم آنگاه شده و  
بالاخره حکم مقتضی در این موضوعات  
مداور میشود و در مقام اجرا  
کشد استغاثه خواهد شد

آری این شکایت ها و فریادها  
بیانی بی رسد این نامه ها باید از  
رشته های مجروح آسازد آنگاه باید در  
قبرستان دل ستم دیده محروس و مدفون  
کرد

این سیلاب شرکی که در نتیجه حق  
مستحقی های طبیعت از دیده کان جاری  
گردیده بی قیاد بر شعله های جانور  
طبیعت آب باقی میکند و التهابات  
خائست سوز دل را خاموش نماید  
این التهابات این سوزشهای های  
مداوی و این سوزشهای های قلمی  
باید در سینه پاشد باید مثل یک  
میگردد موزی در دل امل میکند  
احساسات عواطف و تمام رو حیات منحصرا  
که که بکام و بالاخره سراپا تمام هستی  
یک موجودی را مانند شمع از شعله بی  
رحانه سوخته او را با بیانی و قنات نماید  
ای ایستاد روش و عادات نوم طبیعت این  
است مظلوم کنی و مملکت ذلیل و بی  
معاوضه دوستی و مساعدت مساعدت  
آزاد و ادب او یک ضابطه صحیح روش

مظلومی ندارد و هیچ کسی نمیتواند رویه  
اشناقی و روزانه امیدواری طریق حجاب  
نورجه این طبیعت شود را بدست آورده در  
نورم ازدم انچه بگوید چه شعراء  
چه فلاسفه و کاتبانی مثل شکسپیر از کرسو  
چه اشخاص قوی الاراده با حزم مانند پلانون  
که افکار عمیق و سرسبز و اندامان دره و جبهه  
ادب این طبیعت شرم یکباره از کار افتاده  
مقدور چنانچه پولادین طبیعت کسریده  
و باشد عذاب و اسوء حال دچار در بدی  
کرسنگی فلکات تیرید حس گردیده و با  
هزاران عقوبت و شدائد خائمان سوز خواص  
انفوس بطور اجبار دنیا را و مانع گیتی  
نیست و نابود گردیده مانند گیتی های  
زرک در اقیانوس موج طبیعت نورورفته  
اند و اکنون جز اسمی که انهم مسطور  
فلکات و سرلوحه بدیشتنی طومار  
سیاه بشر است در سینه گیتی باقی  
ایست و انی ان اشخاصیک به استیلا قدرت  
میشوند این بیچارگانیک برای کشته شدن و  
نیستی برای چشیدن طعم ناگوار مرک برای  
دیدن آن دقایق و اثاث سختی که روح  
از بدن مفارقت میگردد برای مشاهده ساحتی که  
کافیه قدس زندگی حیات یکباره مرگ مملکتی  
و بالاخره مردن ما تبدیل میشود دعوت  
گردیده و برای سوز در آن مرکز تارک  
رازد می شود حقیقه ان کسایک میروند  
چیز دار و ان استوانه بزرگ برای عدم  
و ان میله ای که در او این فرسخ راه نیستی  
و زوال نصب شده است ان چوین را زوارت کند

و تمام ان مردمیک در اثر میل خود  
سراپا طبیعت بیای چیده دار سوق  
می شوند میروند و انچه در این سواد و انهم  
موجودیت خود را با نثار میکنند  
میرود تمام شوش بخشی ها و همه امل  
و اوژ و هواهای نفسی خود را در پای  
چوبه دار ریخته در مباحثه دفن میکنند  
یکباره با بار قوی و مغز خالی از هر فکر  
و اوژ به آن چوب بی شدت  
اویخته شوند

ایا این اشخاص چه نصیب کرده اند  
که باید باین مجازات و پاداش دچار شوند  
شما را بخدا اگر خوب رفت شود خواهید  
تصدیق نمود که بطور اکثر ان کسایک  
امر بکشتن و مجازات این بیچاره کسایک  
داده اند انهم قدر ترانها را مصلحت مجازات  
و پاداش حقیقه بلی اندام اسم گسی را برده  
باشد شما را بخدا ان دارکنی وادم کنی  
ها که در بعضی کاپنه های گذشته از یک  
در مملکت موانع میشد آیا ان مقبولین  
برای مجازات بیشتر استغاثه داشتند یا ان  
اشخاص حکم فرمانی که هر روز یک با  
چند نفر را بدار بزدند

البته خواهد بود مجازات و عتدکان  
و مجازات بی حیت مصلحت دار مجازات  
مستند و اسولی بگذرید و دورید خوب  
فومید عادت شود طبیعت را میداند  
با این حالت اگر عنوان سر مقاله مرا  
طبیعت انچه داده و چه اورا چه بیست  
کوهی نوشته باشد جای تعجب نیست

### مکتوب مهر کتهای مسجد شاه

حضور مبارک ان بکانه طرفدار مظلومین آقای مدیر روشن ضمیر جریده فریده قرن  
بیستم امام الله بانه  
آقای مدیر تعظیم قدسات عالم و به کعب منزلت قسم که ما اهالی بدبخت زرد  
بی چاره از هستی - اقل دست خوش ظلم حکومت نظامی سواد شده که بکام ضرورت  
یک ماه است باک بیشتر در ناگوارانه متعصب و عراض شکوائیه خود را بوسیله  
تاکراف کوش زدنایای امور نموده - بلکه البته بجائی نرسد فریاد است -  
فلا بوسیله ان بکانه طرفدار رعیت شرعی بعرض رسانیده عجزانه استرحام میباید  
امر بدو در ان جریده فریده بفرمایند و از آقای وزیر جنگ استرحام  
فرمایند که بحق حق ما یک دست بی چاره بی ادوقه بی پلا پونی را بفرمایند  
دست خوش ظلم ظالمین و محضین ناگوارانه ایستاد زرد به مهر هستی نفر  
قابل توجه اولیای دولت و مصادر جمهور و و کلای دارالشورای ملی

در زمانیکه امواج بلا یا از هر طرف اهالی بدبخت زرد را تهدید میکرد و زوال  
میکرد و مظلوم های خائلی از قیول - ن و مانع خوارگی نه ساله از مقابل چشم ما  
میکرد یک دست رعیت کرسنه بی ادوقه در این حرما زدنایان دوجار ظلم یک نفر  
حاکم جبار چه آلت دست میرزا حسین خان رئیس قبیله و حاجی خان رئیس نظامیه  
در صورتیکه هر دو از اهالی سراج میباشند و سالهای منهای است بدستائی مشغول  
جبار مردم بودند و اگر از طرف وزارت داخله اظلم شکایت اهالی امر بطرح املا  
از ادارات دولتی صادر شده - از قرار مدووع قانون استغاثه هم آنها را مدووع  
میدارد مجبورا بکجهام است در تاکراف خانه آسپاک متعصب از هیئت  
دولت و کلایات استرحام می بفرمایند که چون از این عراض جان نثاران ما نمیدند

شب تارک و بیم موج گردانی چنین حایل - گجا دانند حال ما سبکباران  
ساحل ما - دیگر امکان دادن پول تاکراف را نداریم دست مردم زرد است نابویک  
بست عراض شکوائیه خود را بساحت هیئت محترم دوله اعرض بداریم اعراضنا  
ای پدر انحصار ما بیچاره و در مملکتان بدستایان نثاران آستان مبارک بارس -  
ای آقای سردار سپه صکه هواره طرفدار مظلومین بوده اید ما  
را از چنان بی رحمانه این مملکت مظلوم خلاص کن قایب الحکومه زرد بفرستد غیر از  
نقدی که دریافت داشته ای میانی هم ساند گرفته ایب الحکومه زرد حقوق ندارد خرج  
هم دارد بحکومت هم که باید آزار بدهد یک ممجه نایب الحکومه با رعیت مظلوم است  
چه معامله ها خواهد کرد واقه باقه قائم که صینه قسم است ما مظلوم هستیم باقه مظلوم

اهالی بدبخت زرد متعصبین ناگوارانه - به مقدار کثیری اعمار  
با ابک از سبک نکارش و طرز کفایت و اماریک در ذیل این شکایت نامه آورده  
است کاتلا واضح است که سازنده این کاغذ خیال سکرت زرد را دارد چه اینکه  
های پای کاغذ همه با یک مرکب خورده شده و نیز اشتباهات چند هراسم زن کربک  
الدوله کلشن خانم ربایه و غیره از زیر دستش رد شده و در ذیل کاغذ خورده است  
اگر سوال شود کربک الدوله کلشن خانم در زرد گیت چه جوابی داده خواهد  
شد و علاوه در سورنی هم که زرد پست داشته باشد لازم میشد توسطت سواد کاغذ  
را ارسال دارند که با پست شهری طهران  
بالاخره چون ما اساسا در سلطنت مشروطه با حکومت نظامی مخالف هستیم و مکتوب  
فوق هم شکایت از حاکم نظامی بود بدو آن مجادرت نمودیم و از دولت وقت  
تقاضا داریم که بجای وی حکومت غیر نظامی اعزام دارد  
و ضمنا اینضامیک با مهر های مسجد شاهی عراض جعلی درست میگردد نموده  
میتوانیم که از این قبیل حرکات دست بر دارند چه این که در حقیقت آری است که  
در غیر آن است و همیشه دروغ دروغ است و بی فروغ

از برم تا که سفر کردی و رفتی بشتاب  
دلم از آتش هجران تو گردید کباب  
مطهرم ناله جانسوز و دو چشم ساقی  
یاد امل آب و نعل و سرشک است شراب  
نعمت وصل غنیمت بود از بعد فراق  
خاصه آنرا که زهر تو کشید است عذاب  
بیقایدوست حرامست سرا در بستان  
سایه ید و تماشای گل و ریش آب  
دوش از فرقت رخسار تو تا وقت سحر  
گریه کردم و از دیده فروشستم خواب  
دل آزاد گرفتار بگرداب غم است  
چون غریبی که گرفتار شود در گرداب  
طی آزاد

نظر باینکه در مقابل تقاضای واحد بادیه طهران بوسیله سیم فرعی  
برای منازل غیر ممکن است بنا بر این اخطار میشود که آتایانی که مایلند به نیاز  
خود چراغ برق بکشند بکار کتان آقای حاج امین الضرب سرمایه و تقاضای نصب  
چراغ و رفع نوائص را بفرمایند  
حکیم اعظم  
۱ - ۲  
نبره اعلان ۵

کونخت و کوناج و کونکین؟ در بار که شوهر من  
ای ایران - خاک عالمی بر سر من  
کو آن مرداران قشونی همه بایتم و دست خونی  
وان سپاه مایون ملوئی ایران ای مهد و مغر من  
ای ایران خاک عالمی بر سر من  
کو آن خسروان عالم گیت کو چون بوزر چهر وزیر  
قیصر بد کمتر است ایست ای حجله وای بستر من  
ای ایران - خاک عالمی بر سر من  
شد در بار انوشیروان مداین عهد ساسانیان  
سبه پوش عزای ایران بساط جامه بر من  
ای ایران - خاک عالمی بر سر من  
جها نگیران ایران یکسر اندر بدبخت این کشور  
چو من خاک ریزد بر سر هر یک گوید کو کشور من  
ای ایران - خاک عالمی بر سر من  
با دست اشاره به نهانها می نماید  
ای خرابه نشین ایرانی یاز از عهد کیتی ستمانی  
آب یک زمان این هم زمانی چه شد خسرو هوسر من  
ای ایران - خاک عالمی بر سر من